

واکاوی رویکردهای موجود در خصوص نظام‌سازی قرآنی

حامد جوکار^۱: دانشجوی دکتری، گروه انقلاب و تمدن اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
احمد جمالی گندمانی: دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم

سال نهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۷، صص ۶۰-۴۵

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۰۸/۱۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۰۴/۱۰

چکیده

نظام‌سازی قرآنی به عنوان کارکرد اصلی نظام توسعه فرهنگ قرآنی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام ولایت فقیه در بنان و بیان اندیش‌وران و صاحب‌نظران دینی ظهور یافته و بخش قابل توجهی از تلاش‌های فکری ایشان را متوجه خویش ساخته است. این نوشتار با روش توصیفی تحلیلی، با هدف واکاوی مفهوم نظام‌سازی قرآنی و بررسی رویکردهای موجود، ضمن کاوشی در معنای این مفهوم، رویکردهای موجود و یا متصور از آن را بررسی کرده و از میان آن‌ها، آنچه قرابت و شباهت بیشتری به مراد نظام توسعه فرهنگ قرآنی از این مفهوم دارد را تبیین می‌کند. در این مسیر، نگاهی نیز به نارسایی‌ها یا کاستی‌های رویکردهای مذکور شده است. بر اساس یافته‌های مقاله حاضر مراد از نظام‌سازی قرآنی اصلاح اساسی امور انسانی مبتنی بر اصول قرآن کریم و دین مبین اسلام است و می‌توان کارکرد همه دانش‌های اسلامی را در قالب این اصلاح تبیین کرد. به مثل احکام اسلامی و تبع آن دانش فقه در واقع الزامات اجرایی این اصول در جامعه انسانی به شمار می‌روند. در این برداشت نظام‌سازی قرآنی نتیجه اصلاح امر انسانی است یعنی قرآن کریم اصول کلی حاکم بر نظامات انسانی مورد نظر خداوند را ارائه کرده و دانش‌های اسلامی دیگر در واقع بیان چگونگی اجرای این اصول هستند. در این میان دانش فقه نیز به مقتضای محدوده و موضوع خویش وظیفه‌ای بر عهده دارد که به دلیل اهمیت این دانش و برای تبیین بیشتر نمونه‌هایی از نقش دانش فقه در تسری اصل عدالت و نیز اصل تساهل و تسامح مورد اشاره قرار گرفته و در پایان به مهمترین چالش‌های پیش‌روی نظام‌سازی قرآنی اشاره شده است.

کلید واژه‌ها: معنای نظام‌سازی، نظام‌سازی قرآنی، حکومت اسلامی، نظام فقهی، خرده‌نظام.

۱. مقدمه

نظام‌سازی قرآنی در کنار فرهنگ‌سازی قرآنی، دو کارکرد اصلی نظام توسعه فرهنگ قرآنی به شمار می‌روند (فریدونی، ۱۳۹۲، ص. ۶۶). مفهوم نظام‌سازی قرآنی علی‌رغم اینکه از سوی فعالان نظام توسعه فرهنگ قرآنی به عنوان یکی از کارکردهای اصلی نیل به جامعه قرآنی تعریف شده، اما همچنان نگرش‌ها و برداشت‌های گوناگونی در خصوص آن وجود دارد. بخشی از این تفاوت ناشی از سابقه اندک این عبارت در ادبیات علمی است، نظام‌سازی را باید از جمله موضوعاتی دانست که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام ولایت فقیه در بنان و بیان‌اندیشوران و صاحب‌نظران دینی ظهور و بروز یافته و بخش قابل توجهی از تلاش‌های فکری ایشان را متوجه خویش ساخته است. البته این بدان معنا نیست که پیش از آن سخنی در این باره در میان نبوده یا این موضوع به تمام مغفول بوده است. اندیشه یا به تعبیر رساتر آرمان برپا کردن جامعه و حکومتی که همه ارکان و اجزای آن برآمده از دین مبین اسلام و مطابق دستورات آن باشد، جان و قلب دانشیان و عالمان مسلمان را پیوسته در تصرف خویش داشته و دارد اما آنچه ایشان در این خصوص نگاشته یا اندیشیده‌اند از حیث ادبیات و کلام فاصله اندکی با نظام‌سازی دارد. البته در این خصوص موارد استثنا نیز به چشم می‌خورد که شهید محمدباقر صدر را می‌توان از جمله این موارد دانست. بر همین اساس در این نوشتار تلاش بر این است که ضمن کاوشی در معنای این مفهوم، رویکردهای موجود و یا متصور از آن را بررسی کرده و از میان آن‌ها، آنچه قرابت و شباهت بیشتری به مراد نظام توسعه فرهنگ قرآنی از این مفهوم دارد، تبیین شود. در این مسیر به ناگزیر، به برخی نارسایی‌ها یا کاستی‌های رویکردهای موجود اشاره می‌شود.

۲. معنای نظام‌سازی

برای ورود به بحث ابتدا باید به بررسی مفهوم نظام و نظام‌سازی پرداخت. نظام که در ادبیات دانش مدیریت از آن با عنوان سیستم^۱ یاد می‌شود با تعابیر مختلفی تعریف شده است. به عنوان نمونه اشبی^۲ در این باره می‌نویسد: «سیستم، مجموعه‌ای است از متغیرها که به وسیله یک ناظر^۴ انتخاب شده‌اند. این متغیرها ممکن است اجزاء یک ماشین پیچیده، یک ارگانیزم یا یک موسسه اجتماعی باشند.» (Vemić, 2018, pp. 140-141). دال^۵ نیز بر این باور است که هر مجموعه از عناصری که بتواند به نحوی به طور متداخل با یکدیگر عمل کند، می‌تواند به صورت سیستم نگریسته

۱. نظام‌سازی یعنی: بازطراحی نظام‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و خرده‌نظام‌های آن مبتنی بر مفاهیم و معارف قرآنی (فریدونی، ۱۳۹۲، ص. ۶۶).

2. System

3. Ashby

4. Observer

5. Dahl

شود. کهکشانی‌ها، قوه‌های مقننه و احزاب سیاسی هر کدام یک سیستم هستند. (Dahl, 1984, p. 47). از نگاه آنتونی گیدنز^۱ اجزای یک نظام و خود نظام باید آرایش سازمانی داشته باشند، بدین ترتیب که نظام از اجزاء یا از مؤلفه‌های نسبتاً پایدار تشکیل شده باشد تا بتوان از آنها به عنوان نشانه‌های عطف در تحلیل سیستمی استفاده کرد (Radcliffe, 1952, p. 140). دکتر علی رضائیان در جمع‌بندی تعریف‌های ارائه شده برای مفهوم نظام یا سیستم می‌نویسد: «سیستم، مجموعه‌ای از اجزا و روابط میان آنهاست که توسط ویژگی‌هایی معین، به هم وابسته یا مرتبط می‌شوند و این اجزا با محیطشان یک کل را تشکیل می‌دهند.» (رضائیان، ۱۳۸۴، ص. ۶۵).

شاید بتوان گفت مهم‌ترین وجه مشترک تعاریف این است که عناصر مختلف دارای کنش و واکنش متقابل هستند و این عناصر دارای اهداف خاصی هستند. بر این اساس، نظام به مفهوم ارتباط‌دهنده و پیوند دهنده اجزایی است که هدف مشخصی را تعقیب می‌کند. یک نظام دارای ویژگی‌هایی از جمله تشکیل نظام از اجزای متفاوت، نظم روابطی بین اجزاء، روابط بنیادین بین اجزای نظام و داشتن هدف واحد است (عالم، ۱۳۷۳، ص. ۱۴۹). با این تعریف، نظام‌سازی را نیز می‌توان به معنای فرم دادن و قالب دادن به جامعه، مشخص کردن مراکز تأثیرگذار در وضعیت سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه و نیز مشخص کردن نوع تعامل و ارتباط آن‌ها با یکدیگر دانست.

۳. رویکردهای موجود در خصوص نظام‌سازی

با توجه به ارتباط تنگاتنگ میان انقلاب اسلامی و نظام‌سازی، به مثابه یکی از اهداف عالی این انقلاب^۲، طبیعی است که موضوع نظام‌سازی در کانون توجه اندیشمندان مرتبط با انقلاب اسلامی قرار بگیرد و هر کدام از ایشان بکوشد از زاویه نگاه خویش و بر اساس رویکردهای دانشی و اندیشه خود به تعمق در آن پردازد. حاصل این ژرف‌اندیشی را می‌توان در آثار کتبی و شفاهی گوناگونی که به موضوع نظام‌سازی اختصاص یافته است جستجو کرد. با بررسی این آثار می‌توان سه رویکرد کلی در خصوص نظام‌سازی دینی را مشاهده کرد.

۱.۳. رویکرد جامع‌نگر دینی

در این رویکرد، آنچه کانون و محور بحث را تشکیل می‌دهد سامان دادن به نظام اسلامی است؛ اما باید به این موضوع توجه داشت که مقصود از نظام اسلامی در این دیدگاه «پیاده کردن طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی»^۳ یا «ساختار سیاسی با مجموعه اهداف و آرمان‌هایی که در آن

1. Anthony Giddens

۲. به عنوان نمونه بنگرید به سخنان مقام معظم رهبری مورخ ۱۳۷۹/۹/۱۲: ما می‌خواهیم آن نظامی، آن تشکیلاتی و آن حکومتی را که بتوان این هدفها را در آن محقق کرد، به وجود آوریم. این یک فرآیند طولانی و دشواری دارد و شروعش از انقلاب اسلامی است. انقلاب یعنی دگرگونی بنیادی؛ انقلاب آنجایی است که پایه‌های غلطی برچیده می‌شود و پایه‌های درستی به جای آن گذاشته می‌شود. این قدم اول است. انقلاب که تحقق پیدا کرد، بلافاصله بعد از آن، تحقق نظام اسلامی است. (پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری، khamenei.ir)

۳. مقام معظم رهبری، ۱۲ آذر ۱۳۷۹

هست... مثل عدالت، پیشرفت، معنویت، اخلاق، آرمان‌گرایی و ...^۱ به دیگر سخن در رویکرد جامع‌نگر به نظام‌سازی، خرده نظام‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مورد توجه نیست بلکه اصل تشکیل نظام‌های اسلامی در حکومت اسلامی و شرایط آن مورد بررسی قرار گرفته است. فرمایشات امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در خصوص موضوع نظام اسلامی را می‌توان در راستای تبیین این نگاه دانست. به نظر می‌رسد آنچه امام خمینی (ره) در کتاب البیع درباره حکومت اسلامی به رشته تحریر در آورده‌اند، به خوبی گویای این مطلب است. ایشان می‌نویسد:

«الإسلام هو الحكومة بشؤونها والأحكام قوانين الإسلام و هي شأن من شؤونها، بل الأحكام مطلوبات بالعرض، وأمور آلية لإجرائها و بسط العدالة (خمینی، ۱۴۲۱، ص. ۶۳۳). حقیقت اسلام عبارت است از حکومت با همه شؤون و لوازم آن و احکام دین، قوانین اسلامند و بخشی از شؤون آن حکومت به شمار می‌روند. بلکه می‌توان گفت احکام، در واقع خواسته‌هایی تبعی و اموری ابزاری برای گرداندن امر حکومت و گسترش عدالتند.»

بر این اساس از دیدگاه امام خمینی (ره) هدف اسلام، تحقق عدالت و جاری شدن عدالت در همه زوایای زندگی است و مطلوبیت احکام به خاطر این است که طریق تحقق عدالت‌اند و الا خود این احکام اجتماعی، مطلوبیت بالذات ندارند. این عبارت، یک بیان کلیدی است که کلیت نظریه ایشان در باب حکومت و احکام را نشان می‌دهد. امام (ره) حکومت را اصل و احکام را فرع و از شؤون حکومت می‌داند؛ یعنی آن را نه مقصد اصلی حکومت، بلکه مقصد بالعرض می‌داند. (میرباقری، ۱۳۹۱).

ایشان در جای دیگر می‌فرماید:

مجموعه قواعد اسلامی در مسائل اقتصادی، هنگامی که در کل پیکره اسلام به صورت مکتب منسجم ملاحظه شود و همه جانبه پیاده شود، بهترین شکل ممکن خواهد بود؛ هم مشکل فقر را از میان می‌برد و هم از فاسد شدن یک عده به وسیله تصاحب ثروت جلوگیری می‌کند و در نتیجه کل جامعه را از فساد حفظ می‌کند و هم مانع رشد استعدادها و شکوفایی قدرت ابتکار و خلاقیت انسان‌ها نمی‌شود. جامعیت و همه جانبه بودن قوانین اسلام آن‌چنان است که اگر کسی آن را بشناسد، معترف خواهد شد که از حد و مرز فکر بشر بیرون است و ممکن نیست زاینده قدرت علمی و تفکر انسان باشد» (خمینی، ۱۳۷۰، ج ۵، صص. ۳۸۲-۳۸۳). این دیدگاه در بیانات مقام معظم رهبری نیز قابل رهگیری است و به علاوه دیدگاه شهید صدر را نیز باید در همین راستا در نظر گرفت.

ایشان یکی از متفکران معاصر است که بحث مکتب و نظام اسلامی را مطرح کرده است. از نگاه وی اسلام علاوه بر احکام اجتماعی، دارای مذهب و مکتب اجتماعی است که گاهی از آن به نظام اجتماعی تعبیر می‌شود.^۲ ایشان در عراق با مکتب اقتصادی کمونیسیم (و نیز با مکتب سرمایه داری) مواجه بودند و عمدتاً به خاطر مواجهه با این مسئله مستحده، مسئله «مکتب» را مطرح کردند. (درس

۱. مقام معظم رهبری، ۱۲ تیر ۱۳۹۵

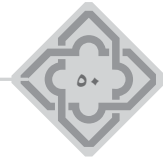
۲. میرمعزی معتقد است علیرغم تفاوت‌هایی که بین مفاهیم «نظام» و «مکتب» وجود دارد، البته شهید صدر در جاهایی بین این دو مفهوم رابطه این‌همانی برقرار کرده است (میرمعزی، ۱۳۸۵).

خارج «مبانی فقه حکومتی» آیت‌الله میرباقری، ۱۸ بهمن ۱۳۹۱) در نگاه وی، دو مرتبه ناقص و کامل از شریعت وجود دارد؛ مرتبه ناقص شریعت، وظایف «فرد» را در شرایط مختلف معین می‌کند اما مرتبه کامل شریعت، شرایط را طراحی و ایجاد می‌کند. وی بر این باور است که اگر حکمی مبتنی بر قاعده و تفکر اسلامی باشد ولو حاکم هم اسلامی نباشد، مفسده آن کمتر از این است که در جایی احکامی که تحقق پیدا می‌کند مبتنی بر قواعد اسلامی نباشد و مبتنی بر تفکراتی باشد که در تحلیل رابطه (انسان با انسان، انسان با طبیعت و انسان با خدای متعال) مستند به اسلام نیستند. به تعبیر دیگر، ایشان توجه دارند که احکام اقتصادی در نظام‌های لیبرالیستی و سوسیالیستی و کمونیستی مستند به یک سری قواعد بنیادی و ریشه‌های فکری است و خطری که امروز با آن مواجه هستیم همین است که این بنیادهای فکری، مبنای شکل‌گیری زندگی اجتماعی مسلمان‌ها می‌شود. در چنین شرایطی، احکام شریعت نیز قابلیت اجرا نخواهند داشت و حداکثر آن که بتوان وظایف فرد را در بستر یک جامعه و حکومت غیردینی تعریف کرد (درس خارج «مبانی فقه حکومتی» آیت‌الله میرباقری، ۱۸ بهمن ۱۳۹۱).

بر اساس نظر شهید صدر هر مکتب بر اساس نظریه‌های عمومی (فقه نظریه‌های عمومی) استوار می‌شود. ایشان در خصوص مکتب اقتصادی اسلام، که بسیاری آن را در حد نظام اقتصادی به معنای خرده نظام بودن تقلیل داده‌اند، می‌نویسد: «مذهب اقتصادی، روشی است که جامعه در حل مشکلات اقتصادی از آن پیروی می‌کند» (صدر، ۱۳۸۲، ص. ۳۷). ایشان در جای دیگر می‌نویسد: «مکتب اقتصادی اسلام شامل هر قاعده اساسی در حیات اقتصادی است که با اندیشه عدالت اجتماعی در ارتباط باشد» (صدر، ۱۳۸۲، ص. ۴۲۱). شهید صدر بین علم اقتصاد و مکتب اقتصادی تفاوت قائل است و معتقد است که اقتصاد اسلامی یک مکتب اقتصادی است نه علم اقتصاد (همان).

۲.۳. رویکرد فقه محور

این رویکرد که می‌توان از آن به عنوان رویکرد غالب در مباحث نظام‌سازی یاد کرد، مبتنی بر فقه اسلامی است. بر اساس این رویکرد دانش فقه و اصول فقه، نرم‌افزار اصلی و محوری در فرایند نظام‌سازی، با تعبیری گوناگونی که از آن صورت می‌گیرد، است. باورمندان به این رویکرد با ارائه دو معنای متفاوت از فقه، وظیفه اصلی دانش فقه به معنای اعم آن را ارائه و تبیین نظام‌های مورد نیاز جامعه و حکومت اسلامی می‌دانند. بر این اساس برای آنکه بتوان از اسلام، معرفتی را برداشت کرد که به ساخت «نظام» بینجامد، باید اصول برداشت و استنباط تغییر یا به سخن رساتر، تکامل یابد. در ساخت یک نظام، تشتت و افتراق علمی، بزرگ‌ترین مانع برای حرکت هماهنگ و مؤثر است و بدون حاکم بودن یک روح گفتمانی یکپارچه و منسجم و تفاهم یافته، نمی‌توان در مسیر نظام‌سازی رشدی را مشاهده کرد (اراکی، ۱۳۹۳، صص. ۲۱-۲۳). اما پرسش مهم این است که در این فرایند، چه منبع معرفتی توان ایفای نقش اصلی و پاسخ‌گویی به همه نیازهای گوناگون نظام‌سازی را داراست؟ پیروان این رویکرد معتقدند برای نظام‌سازی دینی ناگزیر از اتخاذ روشی هستیم که استناد به دین



را تمام کرده باشد و بدون روش و اصولی که در یک موقعیت علمی دیگر کارآمدی و حجیت خود را با فراغت و سع به پایان رسانده باشد، نمی‌توان به یک نظام خالص دینی رسید. بر اساس این نگاه علوم انسانی موجود نمی‌تواند عهده‌دار ساخت نظام دینی باشند و مجموعه معارفی را تولید کند که در مهندسی نظام دینی به کار آید، علوم انسانی کنونی روش‌هایی دارد که در یک پارادایم غیردینی شکل گرفته است و طبیعتاً نمی‌تواند مبدأ تحول دینی قرار گیرد. به علاوه هیچ‌گاه چنین دغدغه و انگیزه علمی وجود نداشته که در پارادایم‌های حاکم بر علوم انسانی همچون تجربی، رفتارگرا، انتقادی، پست مدرن و... روش برداشت معرفت‌دارای استناد منطقی به دین باشد و اساساً دین در این نگاه، به هیچ عنوان چنین ظرفیتی ندارد که بتواند در روش تأثیرگذار باشد و روش را به خود مستند گرداند.

بر اساس این رویکرد برای نظام‌سازی دینی باید به سراغ دانشی رفت که روش کشف، پردازش و تولید خود را به دین مستند می‌سازد و دغدغه همه دانشجویان آن در طول تاریخ، تکامل منطق استناد به دین بوده است و با این توضیح دانش «فقه» و «اصول فقه»، تنها موقعیت علمی است که می‌تواند در ساخت نظام دینی راهگشا باشد (نبوی، ۱۳۷۵، صص. ۱۸-۱۹).

البته این رویکرد فقهی که از کتاب و سنت استنباط می‌شود، دو گونه است و باید میان آن‌ها تفکیک قائل شد. این دو گونه فقه را می‌توان به فقه خرد یا فقه مسئله (فقه به معنی الاخص) و فقه کلان (فقه به معنی الاعم) تعبیر کرد. در این فقه مسائلی که در طول دوران تشریح و پس از آن تا به امروز مطرح شده است، بررسی شده و از منابع دینی پاسخ این مسائل ارائه می‌شود. عبادت‌ها، معامله‌ها، نماز، روزه، حج، زکات، خمس، جهاد، بیع و اجاره، مضاربه، مساوات، حدود، قصاص و ... مسائل فقه خرد را تشکیل می‌دهند. این بخش در واقع همان فقه اسلامی متداول در حوزه‌های دینی از گذشته تا امروز است که در تعبیر دانشمندان به گونه‌های مختلفی تعریف شده است. به مثل این تعریف که: فقه یعنی علم به احکام شرعی فرعی از روی ادله تفصیلی آن و موضوع آن افعال مکلفین است (ابن ابی‌الجمهور، ۱۴۱۰، ص. ۳۴) یا تعریفی که مرحوم محقق کرکی از بیان شهید ثانی گزارش کرده و پذیرفته است که عبارت‌اند از علم به احکام شرعیه عملیه از طریق ادله تفصیلی برای تحصیل سعادت اخروی (کرکی، ۱۴۱۴، ص. ۶).

این بخش از فقه که سابقه‌ای بسیار طولانی دارد و معنای متبادر از فقه نیز به شمار می‌رود، در کنار سایر دانش‌های اسلامی مانند اخلاق، کلام، تفسیر، درایه (حدیث)، در مجموعه علوم اسلامی می‌گنجد و دارای موضوع و محدوده مشخصی است. آنچه همگان بر آن اتفاق نظر دارند این است که دانش فقه با این تعریف و بر اساس مسائلی که در آن جریان دارد در مسیر نظام‌سازی کارایی چندانی نخواهد داشت. موضوع نظام‌سازی موضوعی کلان و وسیع است در حالی که فقه به این معنا محدوده مشخصی دارد که عبارت است از: افعال مکلفان از جهت اقتضاء یا تخییر [نسبت به احکام خمس؛ وجوب، ندب، اباحه، کراهت و حرمت].

بر اساس رویکرد فقه محور در حوزه نظام‌سازی، مسائلی مانند نظام بانکی کنونی با وجود آنکه در فقه خرد، بر مبنای احکام شرعی تدوین شده اما نمی‌توان آن را اسلامی دانست چون بر مبنای

فقه کلان تبیین نشده است. این دیدگاه معتقد است نظام بانکی مربوط به «فقه کلان» است و به فقه خرد مربوط نیست و باید یک نظام بانکی اسلامی در بعد فقه کلان استنباط کرده و ارائه شود. بر اساس این دیدگاه همه نظام‌های مرتبط با انسان مسلمان مانند نظام عمران شهری اسلامی، نیز باید از منابع فقهی استنباط شود. بیشتر تلاش‌های فکری و دانشی صورت گرفته در حوزه نظام‌سازی را باید در این رویکرد دانست. البته توجه به این نکته ضروری است که بررسی دقیق نظریات و تلاش‌های موجود در این زمینه نیازمند صرف زمان مناسب و نیز دسته‌بندی دقیق این نظریات است و نمی‌توان در این مجال محدود همه این موارد را به دقت بررسی کرد، اما آنچه در همه این موارد مشترک است تکیه بر مفهوم دانش فقه به مثابه محور نظام‌سازی است. تلاش‌ها و کوشش‌های دانشمندانی چون آیت‌الله محسن اراکی، حجت‌الاسلام و المسلمین سید محمد مهدی میرباقری، حجت‌الاسلام و المسلمین عبدالحمید واسطی، آیت‌الله منذر حکیم، حجت‌الاسلام و المسلمین سعدی، حجت‌الاسلام و المسلمین رشاد، آیت‌الله‌هادوی تهرانی و ... را باید در این بخش دسته‌بندی کرد (بابایی مجرد، ۱۳۹۶، ج ۱۲). مهمترین نقدی که می‌توان به این رویکرد وارد کرد عدم ارائه تعریف دقیق از فقه به معنی الاخص و تعیین محدوده، ابزار و موضوعات آن است. به باور کسانی که در این رویکرد جای می‌گیرند مقصود از فقه تنها همان دانش مرتبط با افعال مکلفین نیست بلکه فقه برابر با اسلام دانسته می‌شود و در این میان از تعابیری چون فقه اکبر، فقه به معنی الاعم و عبارات مشابه دیگر یاد می‌شود اما تا کنون تعریف دقیق علمی از این دانش صورت نگرفته و به علاوه محدوده موضوعات آن نیز مشخص نشده است. (بابایی مجرد، ۱۳۹۶، ج ۱۱). در کنار این نکته باید توجه داشت که رجوع مکرر و استناد فراوان صورت گرفته در این رویکرد به یافته‌ها و مبانی اصول فقه، که محدوده مشخص و وظیفه معینی دارد، نشان از عدم مرزبندی دقیق میان فقه به معنای اخص با فقه به معنای اعم دارد. طبیعتاً دانش فقه به معنای اخص عهده‌دار همه مسائل دین اسلام نیست و محدوده مشخص دارد و بر همین اساس در مسائلی که به جهت گستردگی دامنه‌ای فراتر از این دانش دارند کارایی چندانی نخواهد داشت و اصرار بر کاربرد آن در همه مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و .. نتیجه‌ای جز غلبه رویکرد فقهی و تنگ و مضیق کردن حوزه دین‌داری نخواهد داشت. برای به کارگیری فقه به معنای اعم در بحث نظام‌سازی نیز ابتدا باید تفاوت آن با سایر دانش‌های اسلامی، روش‌ها، موضوعات و منابع آن به دقت و صراحت تعریف و تبیین شود.

۳.۳. رویکرد قرآن محور

در این رویکرد که برای نخستین بار به صورت رسمی در ادبیات منشور توسعه فرهنگ قرآنی به صراحت و به عنوان کارکرد اصلی نظام توسعه فرهنگ قرآنی ذکر شده، قرآن کریم به عنوان منبع معرفتی اصلاح یا ایجاد نظام‌های گوناگون تلقی می‌شود. بر اساس تعریف صورت گرفته

۱. در تعریف اصول فقه آمده علمی است که در آن از قواعدی بحث می‌شود که نتیجه آن‌ها در استنباط حکم شرعی مورد استفاده مجتهد قرار می‌گیرد. از این رو، علم اصول فقه نسبت به علم فقه، علمی ابزاری است که فقیه به وسیله آن می‌تواند احکام شرعی فرعی را از منابع آن‌ها یعنی کتاب، سنت، اجماع و عقل استنباط کند.



در ادبیات نظام توسعه فرهنگ قرآنی، نظام‌سازی یعنی؛ بازطراحی نظام‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و خرده‌نظام‌های آن مبتنی بر مفاهیم و معارف قرآنی. (فریدونی، ۱۳۹۲، ص. ۶۶). البته باید توجه داشت که در واقع نظام جمهوری اسلامی ایران متولی اصلی اصلاح نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور بر اساس مبانی و فرهنگ قرآنی است و مسئولیت اصلی نظام توسعه فرهنگ قرآنی در این زمینه تمهید مقدمات معرفتی لازم برای تحقق این امر مهم است.

۱،۳،۳. زیر کارکردهای نظام توسعه فرهنگ قرآنی

برای تمهید مقدمات پیش گفته، نظام توسعه فرهنگ قرآنی عهده‌دار تحقق زیر کارکردهای ذیل است:

۱،۱،۳،۳. رصد نظام‌های مختلف به منظور شناسایی نسبت آن‌ها با مضامین قرآنی

در این ذیل اجزای مختلف نظام‌های چهارگانه و مبانی و جهت‌گیری‌های هر یک شناسایی و از حیث مطابقت، همسویی، مخالفت و یا تضاد با آموزه‌های قرآنی مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین از طریق بررسی دیدگاه‌های صاحب‌نظران سؤالات اساسی و نیازهای نظری و عملی نظام‌ها برای انطباق با آموزه‌های قرآنی شناسایی می‌شود. (فریدونی، ۱۳۹۲، صص. ۷۳ - ۷۴).

۲،۱،۳،۳. بازتعریف مضامین و بازتولید محصولات

در این زیرکارکرد مضامین اصلی آموزه‌های قرآنی در تعامل با موضوعات و قالب‌های مطرح در هر یک از نظام‌ها در عین حفظ هویت مضمون قرآنی به صورت قابل انطباق برای استفاده در سایر نظام‌ها متناسب با ادبیات هر نظام برگردان و تبیین می‌شود. به همین صورت می‌توان محتوا یا قالب محصولات قرآنی را متناسب با مخاطبان هر یک از نظام‌ها بازتولید و قابل ارائه به بخش‌های نظام کرد (همان).

۳،۱،۳،۳. تبادل و انتقال مضامین و محصولات قرآنی با سایر نظام‌ها

در این زیرکارکرد نیز در یک تعامل دو طرفه بین صاحب‌نظران قرآنی با صاحب‌نظران نظام‌ها، ورودی‌های قرآنی برای سایر نظام‌ها تبیین شده و به گونه‌ای که ظرفیت نهادینه‌سازی آن در نظام مورد نظر ایجاد شود، به انتقال آن‌ها اقدام می‌شود. این انتقال می‌تواند در قالب معرفی الگوها و مدل‌های عملیاتی به هر یک از نظام‌ها انجام شود. (فریدونی، ۱۳۹۲، ص. ۷۴).

دقت در سطور بالا این نکته را نمایان می‌سازد که با وجود معرفی مفاهیم و معارف قرآنی به عنوان منبع بازطراحی نظام‌های گوناگون، اما ابهام و اجمال در چگونگی و شیوه کشف مفاهیم قرآنی و نیز روش تبیین مضامین قرآن برای استفاده سایر نظام‌ها موجب ابهام در خصوص مفهوم نظام‌سازی قرآنی می‌شود. همین ابهام باعث به وجود آمدن تصورات و برداشت‌های گوناگون درباره چستی نظام‌سازی قرآنی شده است. این ابهامات به حدی است که حتی در برخی پژوهش‌های صورت

گرفته در خصوص موضوع نظام‌سازی قرآنی^۱ نیز نمی‌توان تبیین صحیح، مشخص و قابل اتکایی از این مفهوم به دست آورد. برای به دست آوردن تصویری روشن از این مفهوم ضمن بر شماری این برداشت‌ها سعی می‌شود ضمن بررسی مفهوم هر کدام، نسبت میان آن‌ها با مفهوم نظام‌سازی قرآنی مطرح در ادبیات نظام توسعه فرهنگ قرآنی تبیین شود.

۲،۳،۳. برداشت‌های ممکن از مفهوم نظام‌سازی قرآنی

چنان‌که در سطور پیشین اشاره شد با توجه به عدم تبیین دقیق و شفاف از مفهوم نظام‌سازی قرآنی، در مقام تصور تعاریف گوناگونی از این مفهوم قابل ارائه هستند. در این بخش مهم‌ترین برداشت‌های ممکن از این مفهوم ذیل موارد زیر، دسته‌بندی و ارائه می‌شود. توجه به این نکته ضروری است که این برداشت‌ها حاصل گفتگوهای تخصصی با افراد مختلف است و با توجه به عدم ثبت و ضبط این دیدگاه‌ها، ارجاعات مرسوم به کتاب‌ها و مقالات در این بخش قید نشده‌اند.

۱،۲،۳،۳. نظام‌سازی به معنای نظام‌یابی و اکتشاف نظام قرآنی

در این رویکرد فرض اصلی بر این است که نظام‌های از پیش تعیین شده دانشی مانند جامعه‌شناسی، اقتصاد، تعلیم، تربیت و... در قرآن وجود دارد و نظام‌سازی قرآنی یعنی سعی در کشف و استخراج این الگوها و اجرا و پیاده‌سازی آن‌ها در عالم خارج. معتقدان به این نگاه در عین تلاش‌ها و کوشش‌های قابل احترام و به نسبت فراوان اما تا کنون در زمینه کشف و ارائه چنین الگوهای عملی و کارآمدی توفیق چندانی کسب نکرده‌اند و به دلیل ابهام در روش‌های کشف این الگو بیشتر کوشش‌های آنان در واقع معطوف به نگاه فقهی شده است. اشکال عمده قابل طرح در خصوص این برداشت این است که این علوم، علوم ازلی از پیش موجود نیستند بلکه امور انسانی هستند که به زندگی و زیست انسانی مرتبط‌اند و در واقع حاصل تجربه زیسته انسانی‌اند و آنچه اکنون با آن مواجهیم حاصل پاسخ‌های عینی به مسائل انسانی‌اند و فرض همه این مسائل به مثابه یک الگوی ساده مانند چرخش منظومه شمسی که از قبل دارای الگویی در قرآن باشد که تنها نیازمند اکتشاف است، تا حدود زیادی ساده‌اندیشانه است. در عین حال این تلقی از نظام‌سازی منافاتی با مفهوم نظام‌سازی مورد نظر نظام توسعه فرهنگ قرآنی ندارد و امید می‌رود در صورت ارائه نتایج مستدل و قابل اجرا، گامی در جهت تعالی اندیشه و زندگی مسلمانان بردارد.

۲،۲،۳،۳. نظام‌سازی به معنای اصلاح نظام‌های موجود بر اساس معارف قرآنی

در این تلقی از نظام‌سازی که در تعریف مورد قبول ادبیات نظام توسعه فرهنگ قرآنی نیز به آن تصریح شده است، فرض بر این است که با استخراج و دست‌یابی به مفاهیم و معارف قرآنی و تبیین آن معارف به گونه‌ای ملایم با نظام‌های گوناگون موجود می‌توان در مسیر اصلاح نظامات

۱. نمونه را بگریید به؛ سلسله منشورات دبیرخانه شورای توسعه فرهنگ قرآنی، شماره ۳، خلاصه طرح پژوهشی موضوع‌شناسی تحقیقات نظام‌سازی قرآنی، حسین بابایی‌مجرد و همکاران، ۱۳۹۵.

گام برداشت. این رویکرد که مبتنی بر معتمد و معتبر بودن یافته‌های دانشی انسان در نظام‌های گوناگون است می‌کوشد با تزریق مبانی قرآنی به نظام‌های جاری نسبت به اصلاح مسیر آن‌ها اقدام کند. این رویکرد را می‌توان مطالبه میان‌مدت نظام توسعه فرهنگ قرآنی در حوزه نظام‌سازی دانست. گرچه عدم تبیین صحیح شیوه‌های برداشت مفاهیم متناسب با نظام‌های گوناگون یکی از دشواری‌های اجرای این گونه مطالعات است اما وجود سابقه طولانی و ادبیات علمی گسترده در حوزه تفسیر قرآن و برداشت‌های قرآنی، اندکی از صعوبت این فرآیند کاسته است. در کنار این موارد، ارائه شیوه‌های گوناگون تدبیر در قرآن و فهم زبان قرآن را می‌توان به عنوان گامی ابتدایی در این مسیر تلقی کرد. دو موضوع مهم در این رویکرد چگونگی اعتبارسنجی گزاره‌های به دست آمده از قرآن و نیز روش کاربست این گزاره‌ها در نظام‌های موجود است.

البته در خصوص این برداشت باید به این نکته نیز اشاره کرد که مراد از این برداشت به هیچ عنوان ورود با پیش‌فرض‌های شکل گرفته در سایر علوم به محضر قرآن کریم نیست این نوع برخورد با قرآن در واقع فروکاستن شان الهی قرآن کریم است. در این رویکرد ناصواب، قرآن در بهترین حالت به عنوان مویذ یافته‌های انسانی ظاهر می‌شود و محقق می‌کوشد با بررسی قرآن تاییدی بر باورهای علمی خویش بیابد. این گونه مواجهه با قرآن کریم در اغلب تفسیرهای علمی قرآن به وضوح قابل رهگیری است و متأسفانه همچنان برخی بر این گمان‌اند که این شیوه همان مطالعات بین‌رشته‌ای قرآن به شمار می‌رود. در این تلقی نه تنها دانش جدیدی به دانش‌های موجود انسانی افزوده نمی‌شود بلکه قرآن کریم و آیات آن به عنوان شاهد تلقی شده و در مواردی که با یافته‌های علمی انسانی نیز همخوان نیست، تأویل می‌شود.

۳،۲،۳. نظام‌سازی به معنای اصلاح علم انسانی و ایجاد علوم جدید

اساس این رویکرد بر این استوار است که قرآن کریم در حوزه علوم انسانی، مباحث جدیدی را مطرح کرده و طرحی نو در این مباحث در انداخته است که دست‌یابی به آن‌ها و کاربست آن علوم به جای علوم انسانی فعلی گره از کار انسان خواهد گشود و او را به مقصود خواهد رساند. این رویکرد نیز نسبت به شیوه‌های کشف و کاربست علوم انسانی قرآن بنیان تا حد زیادی ساکت است و شیوه‌ای روشمند برای این امر ارائه نداده است. دلیل این امر نیز بیشتر به ماهیت علوم انسانی مربوط می‌شود. در حوزه علوم انسانی موضوعات به هیچ عنوان توصیفی صرف نیستند، چون با قواعدی سروکار داریم که در مورد انسان است و انسان‌ها آن‌ها را ساخته‌اند و می‌توانند تغییرشان بدهند. ممکن است این علوم در نگاه اول ادعا کنند که مانند علوم تجربی صرفاً توصیفی عمل می‌کنند اما در حقیقت به هیچ عنوان اینگونه نیست. مثلاً زبان‌شناسی هیچ‌گاه هم ردیف علوم طبیعی نمی‌شود چون موضوع آن بگونه‌ای نیست که یک دانشمند بتواند صرفاً اکتشافی عمل کند چون خودش یکی از عوامل اثرگذار در آن عوامل است. به علاوه این ادعا که قرآن کریم علوم انسانی نوینی بنیان نهاده و وظیفه ما کشف آن علوم و نظام‌سازی از رهگذر آن علوم است چندان

پذیرفتنی نیست. مجدداً باید بر این نکته تأکید کرد که علوم انسانی موجود حاصل تجربه زیسته انسان در طول تاریخ و نتیجه پاسخ‌های فراوانی است که نوع انسانی به مسائلی که با آن سروکار داشته، داده است. با این مبنا این رویکرد به معنای بی اعتباری عمومی دانش‌هایی است که در موارد فراوان کارآیی خویش را اثبات کرده‌اند به علاوه بسیاری از علوم که ما امروز آن‌ها را با عنوان علوم انسانی می‌شناسیم در طی سالیان طولانی به سامان آمده‌اند و این ادعا که قرآن کریم مشابه و هم‌سنگ آن‌ها را در زمان نزول ارائه کرده ادعایی بیش نخواهد بود. این برداشت از نظام‌سازی با آنچه در نظام توسعه فرهنگ قرآنی مدنظر قرار دارد تناسب و همخوانی چندانی ندارد.

۳،۲،۴. نظام‌سازی به معنای اصلاح امر انسانی و به تبع آن اصلاح نظامات موجود

در اینکه قرآن کریم و دین مبین اسلام اولاً و بالذات اصلاح امور انسانی و خروج انسان از ظلمات به نور را هدف قرار داده و بارها به آن تأکید کرده‌اند تردیدی نیست. به دیگر سخن قرآن کریم برای تحول انسان و جامعه انسانی نازل شد و این آیین الهی به پیشوایی پیامبر اکرم (ص) آمده تا انحرافات و کژی‌های انسان را بزدايد و او را به مسیر هدایت ببرد. این اصلاح را می‌توان از طریق اصلاح امر انسانی قلمداد کرد. اصول قرآن کریم که در این کتاب الهی جابجا از آن سخن رفته و در سنت نورانی نبی اکرم (ص) نیز بروز و ظهور داشته اصلاح اساسی امور انسانی را مدنظر قرار داده و می‌توان کارکرد همه دانش‌های اسلامی را در قالب این اصلاح تبیین کرد. به عنوان مثال احکام اسلامی و به تبع آن دانش فقه در واقع الزامات اجرایی این اصول در جامعه انسانی به شمار می‌روند. در این برداشت نظام‌سازی قرآنی نتیجه اصلاح امر انسانی است یعنی قرآن کریم اصول کلی حاکم بر نظام‌های انسانی مورد نظر خداوند را ارائه کرده و دانش‌های اسلامی دیگر در واقع بیان چگونگی اجرای این اصول هستند. به عنوان نمونه دو اصل عدالت و برادری اسلامی از اصول قرآن کریم هستند و پیامبر اکرم (ص) برای جاری‌سازی این اصل در جامعه ضمن وضع قوانینی مانند مزارعه و مساقات اجرای این اصل در میان مهاجران و انصار را رقم زد و از این طریق ضمن اجرای اصل عدالت و برادری در جامعه اسلامی مانع از به هم خوردن تعادل زنگی انصار نیز شد (بیهقی، بی‌تا، ص. ۱۱۶). در اسلام هیچ‌گونه حکم ضرری که موجب زیان شود، جعل نشده و هر گونه تکلیفی که زیان آور باشد اساساً در شریعت اسلام برداشته شده است. بنابراین اصل عدم ضرر و ضرر در موجب حکم نبی اکرم (ص) به قطع نخل سمره بن جندب شد و همین حدیث شریف تبدیل به قاعده‌ای اساسی در فقه اسلامی شده است (حرعاملی، ۱۴۱۶، باب ۱۲، حدیث ۳).

اصل دیگری که می‌توان از آن به عنوان یکی از اصول برآمده قرآنی و نیز اصلی مهم در دین اسلام یاد کرد اصل تساهل و تسامح است. آیات نورانی قرآن مانند: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»، «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» و «مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ» در کنار حدیث شریف «بُعِثْتُ بِالْخَيْفَةِ السَّهْلَةَ السَّمْحَةَ» (مجلسی، ۱۴۰۴، ص. ۲۶۴) موبد این اصل قرآنی و دینی‌اند. همین اصل در علم شریف فقه به صورت‌های مختلفی تجلی کرده و در واقع فقه زمینه‌ساز بروز و ظهور این اصل در حوزه موضوعات خویش

است.

به نظر می‌رسد این دیدگاه یعنی نظام‌سازی از رهگذر اصلاح امور انسانی هماهنگی بیشتری با منطق قرآن و سیره دارد. این رویکرد از حیث روش نیز در دانش‌های گوناگون اسلامی نمونه‌های فراوانی دارد. در این تعریف نظام‌سازی قرآنی در حقیقت تلاش علمی و عملی حاکمان مسلمان و جامعه اسلامی برای استقرار اصول و مبانی قرآنی و دینی در ساحت‌های متعدد زیست انسانی از طریق ابزارهای علمی و عملی است. در این نگاه هر دانشی که بتوان با کمک آن این اصول را در جامعه بسط و گسترش داد، دانشی دینی به شمار می‌رود. به عنوان نمونه در این رویکرد علم فقه عهده‌دار تسری اصول اسلامی در رفتار مکلفین از طریق احکام است و به همین میزان در فرایند نظام‌سازی قرآنی دخالت موثر دارد. یا دانش تفسیر و وظیفه تسهیل رجوع مسلمانان به قرآن کریم و دریافت روشمند اصول قرآنی توسط ایشان را بر عهده دارد. در چنین منظومه فکری می‌توان همه دانش‌های اسلامی و انسانی مورد نیاز جامعه اسلامی را با ذکر وظیفه و کارکرد تعریف کرد. در اینجا با توجه به اهمیت دانش فقه در میان دانش‌های اسلامی و نیز برای تاکید بر اینکه در رویکرد مختار این مقاله به مفهوم نظام‌سازی قرآنی، دانش فقه در جای خویش دارای اهمیت بسزاست به عنوان نمونه، مواردی از کارکرد این دانش در راستای بسط اصل قرآنی تساهل و تسامح در رفتار فردی و اجتماعی مسلمانان که در احادیث و کتب فقهی و یا در فتاوی فقهای عظام قید شده، آورده می‌شود.

۱،۲،۳،۴. نمونه‌هایی از بازتاب اصل قرآنی تساهل و تسامح در احکام فقهی

فقهای اسلام اعم از شیعه و سنی در عبارات و استدلال‌های خویش از این اصل بسیار استفاده کرده‌اند. به نظر می‌رسد که فقهای ما این اصل را به عنوان معیاری خدشه‌ناپذیر در تفکرات فقهی خویش به کار می‌بردند و هر جا که می‌دیدند حکمی سخت گیرانه مطرح می‌شود با ذکر این اصل در مقابل آن می‌ایستادند.

۱،۲،۳،۴،۵. اشتراک در آب وضو

محقق حلی در مبحث طهارت کتاب خویش، آن‌گاه که از مشارکت در استفاده از آب برای وضو سخن به میان می‌آورد به حدیثی از حضرت علی (ع) اشاره می‌کند که جمعی از یاران علی (ع) از آن حضرت پرسیدند که شما به آبی که به طور جمعی وضو گرفته می‌شود تمایل بیشتری دارید یا آبی که در ظرف پاکیزه مخصوص بوده است و حضرت در پاسخ فرمودند: من به آبی که جمعی از آن وضو گرفته‌اند تمایل بیشتری دارم؛ زیرا بهترین دین نزد خدا دین حنیف سهل و آسان است.

محقق حلی پس از بیان این سخن به شاهی دیگر از سیره نبوی اشاره می‌کند که بر اساس حدیثی از امام صادق (ع)، حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله و عایشه از یک ظرف آب استفاده می‌کردند. (حلی، ۱۴۱۲، ص. ۹۸).

۲,۱,۴,۲,۳,۳. ترتیب در نماز قضا

یکی از مباحثی که در نماز قضا مطرح است، لزوم و یا عدم لزوم ترتیب در به جا آوردن نمازهای قضا است.

علامه حلی در بیان نظر خویش مبنی بر این که در قضای نمازهای فوت شده ترتیب ضرورت ندارد به این حدیث استناد کرده و واجب دانستن ترتیب را تکلیف مالایطاق معرفی می‌کند که از توان افراد خارج است و با توجه به اصل سماحت و سهولت، معتقد است چنین قولی با روح دین اسلام تناسب ندارد. (حلی، ۱۴۱۲، ص. ۱۲).

۳,۱,۴,۲,۳,۳. تضییق در قضا

شبهه موضوع قبل، بحث تضییق در قضای نماز است که محقق اردبیلی به آن پرداخته و از تضییق و تنگی در وقت قضا دوری کرده است. وی معتقد است دین و شریعت ما سهل است و سختی و تضییق در نماز قضا با روح شریعت منافات دارد (محقق اردبیلی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۲۵).

۴,۱,۴,۲,۳,۳. بازار مسلمانان

مبادلات بازرگانی میان مسلمانان با غیر مسلمان به عنوان امری مستمر در طول تاریخ اسلام وجود داشته است و به همین دلیل، احکام شرعی متفاوتی از جمله نجاست و طهارت محصولات مطرح شده است.

محقق بحرانی در این مورد می‌گوید: آنچه که از روایات استفاده می‌شود، سؤال نکردن و تفحص نکردن از کالاهای خریداری شده از بازار مسلمین است اگر چه احتمال حرمت و یا نجاست نیز در این مورد وجود دارد و دلیل ما بر این حکم همان حلیت و طهارت ظاهری بوده که در این مطلب به وسیع بودن حنفیه سمحه و سهله عمل می‌کنیم که جای هیچ احتیاطی نیز در آن وجود ندارد (بحرانی، ۱۳۶۳، ص. ۴۲۹).

۵,۱,۴,۲,۳,۳. قبله

تعیین جهت قبله یکی از مسائل فقهی در بحث صلات است که در طول تاریخ فقه سیر خاص خود را طی کرده و منجمین نیز در این مورد با اصول و ابزار خویش به کمک فقها آمده‌اند. مباحث دقیقی که جنبه فنی بودن آن به مقدار زیادی بر سختی کار افزوده بود، موجب گشت تا بحث قبله از حالت قبله عرفی به قبله واقعی تغییر یابد.

محقق و فقیه ارزشمند آقا رضا همدانی، این دقت‌های غیر معمول را با شریعت سهله محمدی (ص) در تنافی دیده و گفته است: «این دین سمحه و سهله برترین شاهد بر توسعه در امر قبله بوده و هیچ یک از مواردی که افراد با دقت علمی مطرح می‌کنند واجب و لازم نیست.» (همدانی، ۱۳۷۶، ص. ۳۸۱).



۳،۲،۴،۱،۶. طهارت

اهل تسنن نیز به سمحه و سهل بودن شریعت توجه کرده‌اند و نویسنده شرح الازهار به یک تفاوت توجه می‌کند و آن این که شریعت اسلام در مورد مسائل زنان به احتیاط حکم کرده تا این که در روابط انسانی و نسل‌ها خللی ایجاد نشود. اما همین شریعت در مورد طهارت و احکام مربوط به آن سمحه و سهل بوده و این همه احتیاط که برخی در امر طهارت به آن توجه دارند، ضرورت ندارد (مرتضی، ۱۴۰۰، ص. ۶۱). بر اساس این برداشت از نظام‌سازی در حقیقت قرآن کریم به صورت خاص و دین مبین اسلام به صورت عام، بیان‌کننده اصولی هستند که اجرای آن‌ها برای اصلاح امور انسانی جامعه‌ای که می‌خواهد به صفت اسلامی متصف شود ضروری است. در این دیدگاه نظام‌سازی در واقع راهکارهای تسری و جریان یافتن آن اصول در ساحت‌های گوناگون زندگی انسانی است. در این میان دانش‌های اسلامی از جمله دانش فقه هر یک به مقتضای محدوده و موضوع خویش وظیفه‌ای بر عهده دارند.

۴. چالش‌های نظام‌سازی قرآنی

با توجه به آنچه گذشت، باید اذعان کرد که موضوع نظام‌سازی موضوعی پیچیده و دشوار است و دست یافتن به آن نیازمند صرف هزینه و تلاش‌های زمان‌بر است. به علاوه در این مسیر برخی چالش‌ها نیز پیش روی کنش‌گران قرار دارد که در ادامه به اختصار برخی از این چالش‌ها معرفی می‌شوند:

- ۱.۴. جامعیت نظام‌سازی مطلوب انقلاب اسلامی؛
- ۲.۴. گسست و عدم تداوم در تجربه مدینه النبی و دوران امیرالمومنین (ع)؛
- ۳.۴. منحصر به فرد بودن الگو انقلاب اسلامی و نبود الگوی مشابه در دوره معاصر؛
- ۴.۴. وجود جبهه قدرتمند معارض فکری و عملی با انقلاب اسلامی؛
- ۵.۴. اجمال و ابهام در مفهوم، ابعاد و ساحت‌های گوناگون نظام‌سازی قرآنی؛
- ۶.۴. عدم انسجام و یکپارچگی نظرات و ابعاد نظام‌سازی قرآنی؛
- ۷.۴. ضعف و فقدان مضامین تولیدی عمیق و قابل عرضه در مجامع علمی گوناگون؛
- ۸.۴. عدم توجه به موضوعات مورد نیاز و روزآمد از سوی نهادهای علمی و فضای دانشگاهی کشور؛
- ۹.۴. مطلق‌انگاری در بحث نظام‌سازی قرآنی؛
- ۱۰.۴. سطحی‌نگری در بحث نظام‌سازی قرآنی؛
- ۱۱.۴. دخالت افراد غیر متخصص؛
- ۱۲.۴. نگاه حداقلی به کارکرد دین در مدیریت فرهنگی کشور.

۵. نتیجه‌گیری

طبق بررسی‌های انجام‌شده رویکردهای عمده نظام‌سازی را می‌توان به سه رویکرد جامع‌نگر

دینی، رویکرد فقه‌محور و رویکرد قرآن محور تقسیم‌بندی کرد. در رویکرد جامع‌نگر دینی، خرده نظام‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مورد توجه نیست بلکه اصل تشکیل نظام‌های اسلامی در حکومت اسلامی و شرایطش مورد بررسی قرار گرفته است. رویکرد فقه‌محور به عنوان رویکرد غالب در مباحث نظام‌سازی، مبتنی بر فقه اسلامی است و دانش فقه و اصول فقه، بخش اصلی و محوری در فرایند نظام‌سازی، با تعابیری گوناگونی که از آن صورت می‌گیرد، است.

در رویکرد قرآن محور، قرآن کریم به عنوان منبع معرفتی اصلاح یا ایجاد نظام‌های گوناگون تلقی می‌شود. برداشت‌های علما و اندیشوران در حوزه نظام‌سازی قرآن محور را می‌توان به چهار دسته طبقه‌بندی کرد: نظام‌سازی به معنای نظام‌یابی و اکتشاف نظام قرآنی؛ نظام‌سازی به معنای اصلاح نظام‌های موجود بر اساس معارف قرآنی؛ نظام‌سازی به معنای اصلاح علم انسانی و ایجاد علوم جدید و نظام‌سازی به معنای اصلاح امر انسانی و به تبع آن اصلاح نظامات موجود.

در برداشت اخیر که دیدگاه مختار این نوشتار نیز هست، نظام‌سازی قرآنی نتیجه اصلاح امر انسانی است یعنی قرآن کریم اصول کلی حاکم بر نظامات انسانی مورد نظر خداوند را ارائه کرده و دانش‌های اسلامی دیگر در واقع بیان چگونگی اجرای این اصول هستند. بر اساس این برداشت از نظام‌سازی در حقیقت قرآن کریم به صورت خاص و دین مبین اسلام به صورت عام، بیان‌کننده اصولی هستند که اجرای آن‌ها برای اصلاح امور انسانی جامعه‌ای که می‌خواهد به صفت اسلامی متصف شود ضروری است.

در این دیدگاه نظام‌سازی در واقع راهکارهای تسری و جریان یافتن آن اصول در ساحت‌های گوناگون زندگی انسانی است. در این میان دانش‌های اسلامی از جمله دانش فقه هر یک به مقتضای محدوده و موضوع خویش وظیفه‌ای بر عهده دارند. شاید این برداشت را بتوان مقصود بلند مدت نظام توسعه فرهنگ قرآنی از نظام‌سازی قرآنی دانست.

به علاوه «جامعیت نظام‌سازی مطلوب انقلاب اسلامی»، «گسست و عدم تداوم در تجربه مدینه النبی و دوران امیرالمومنین (ع)»، «منحصر به فرد بودن الگو انقلاب اسلامی و نبود الگوی مشابه در دوره معاصر»، «وجود جبهه قدرتمند معارض فکری و عملی با انقلاب اسلامی»، «اجمال و ابهام در مفهوم، ابعاد و ساحت‌های گوناگون نظام‌سازی قرآنی»، «عدم انسجام و یکپارچگی نظرات و ابعاد نظام‌سازی قرآنی»، «ضعف و فقدان مضامین تولیدی عمیق و قابل عرضه در مجامع علمی گوناگون»، «عدم توجه به موضوعات مورد نیاز و روزآمد از سوی نهادهای علمی و فضای دانشگاهی کشور»، «مطلق‌انگاری در بحث نظام‌سازی قرآنی»، «سطحی‌نگری در بحث نظام‌سازی قرآنی»، «دخالت افراد غیر متخصص» و «نگاه حداقلی به کارکرد دین در مدیریت فرهنگی کشور» عمده‌ترین چالش‌های نظام‌سازی قرآنی در شرایط فعلی به شمار می‌روند.



منابع

- قرآن کریم (۱۳۹۰). ترجمه آیت... ناصر مکارم شیرازی. بیروت: مرکز نشر جمهوری اسلامی ایران.
- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۱۰ق). الأقطاب الفقیهية علی مذهب الإمامیه. قم: کتابخانه عمومی آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- اراکي، محسن (۱۳۹۳). فقه نظام سیاسی اسلام (جهان بینی سیاسی). تهران: دفتر نشر معارف.
- بابایی مجرد، حسین و همکاران (۱۳۹۵). طرح پژوهشی موضوع شناسی تحقیقات نظام سازی قرآنی. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- بابایی مجرد، حسین (۱۳۹۶). سلسله مباحث توسعه فرهنگ قرآنی. جلد ۱۲ (گفتارها و نوشتارها درباره نظام سازی قرآنی)، دبیرخانه شورای توسعه فرهنگ قرآنی.
- بابایی مجرد، حسین (۱۳۹۶). سلسله مباحث توسعه فرهنگ قرآنی. جلد ۱۱ (گفتارها و نوشتارها درباره نظام سازی قرآنی)، دبیرخانه شورای توسعه فرهنگ قرآنی.
- بیهقی، ابوالفضل (بی تا). سنن الکبری. بیروت: دارالفکر.
- خمینی، روح الله (۱۳۷۰). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی، روح الله (۱۴۲۱). البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- رضائیان، علی (۱۳۸۴). تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم. تهران: انتشارات سمت.
- علی بن حسین بن عبد العالی کرکی، شیخ نورالدین (۱۴۱۴ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد. قم: آل البيت.
- صدر، سید محمد باقر (۱۳۷۹). المدرسة القرآنیة. قم: نشر المجمع العلمي للشهید الصدر.
- صدر، سید محمد باقر (۱۳۸۲). اقتصادنا (کتاب الثاني). قم: نشر المجمع العلمي للشهید الصدر.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۳). بنیادهای علم سیاست. تهران: نشر نی.
- علامه حلی، جمال الدین (بی تا). مختلف الشیعه. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- فریدونی، محمد حسین (۱۳۹۲). آشنایی با منشور توسعه فرهنگ قرآنی. شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفا.
- اردبیلی، محقق (بی تا). مجمع الفائدة و البرهان. قم: جامعه مدرسین.
- بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم درازی (۱۳۶۳). یوسف. حدائق الناظره. قم: جامعه مدرسین.
- مرتضی، احمد (۱۴۰۰ق). شرح الأزهار. صنعاء: نشر الغمضان.
- میرباقری، سید محمد مهدی (۱۳۹۱). جلسات درس خارج فقه حکومتی. سایت فرهنگستان علوم قم: www.isaq.ir
- نبوی، سید عباس (۱۳۷۵). فقه، زمان و نظام سازی. کیهان اندیشه، ۶۷، ۳-۲۱.
- همدانی، رضا بن محمد (۱۳۷۶). مصباح الفقیه. تحقیق محمد باقری، جلد ۹، قم: الموسسه الجعفریه للاحیاء التراث.

Dahl, Osteen (1984) Tense and Aspect Systems. Oxford: Blackwell.

Radcliffe, Brown, A. R. (1952). Structure and Function in Primitive Society. New York: Free Press.